



استقراض از منابع خارجی

محمد رضا حافظ نیا

در اینجا باید به ذکر یک نکته نیز اشاره گردد که بین نتایج استقراض از منابع خارجی و قدرت اقتصادی و سیاسی کشور، رابطه مستقیمی وجود دارد یعنی اینکه هر چقدر قدرت اقتصادی و سیاسی کشور بیشتر باشد، اثرات منفی استقراض از منابع خارجی کمتر خواهد بود. قدرت اقتصادی یک کشور محصول شرایط جغرافیایی، سرمایه و تکنولوژی، قدرت مانور و تحرک در صحنه تجارت بین المللی، جمعیت و نیروی انسانی متخصص و غیره میباشد. قدرت اقتصادی در جهان کنونی، نقش بسیار موثری در قدرت سیاسی کشورها ایفا دارد. کشور قدرتمند، هم توانایی حراست از استقلال خود را داشته و هم توانایی اعمال اراده در غرض جهانی و از همه مهمتر دخالت در امور سایر کشورها را خواهد داشت و به همین خاطر قدرت سیاسی و اقتصادی سران استکبار به آن اجازه دخالت در امور کشورهای دیگر و تنظیم مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان، در راستای هدفهای خود را داده است.

قدرت اقتصادی بر پایه عواملی نظیر توان تکنولوژی، نیروی انسانی متخصص و تجربه و مهارت اقتصادی و توان جذب سرمایه، استوار است و کشورهای قدرتمند اقتصادی و سیاسی با داشتن پایه های مزبور قدرت جذب سرمایه از منابع خارجی و تبدیل آن به افزایش در آمد را پنجوی که هم سود وام را پرداخته و هم برای خود آنها منفعت داشته باشد را دارند و لذا در جهت جذب سرمایه از منابع خارجی، قدم بر میدارند و بخش عمده ای از منابع مالی مؤسسات وام دهنده جهانی را بخود اختصاص داده اند. آنها هیچگونه احساس خطری برای سرنوشت سیاسی و استقلال خود نمی کنند، آنها

کنترل سرمایه را در دست دارند و راه و روش سود آور کردن آنرا میدانند. وضع آنها به تجاری شبهه است که استادی خاصی در بکارگیری پول و تولید سود دارند بنحوی که هم سود وام را میدهند و هم در آمد بالائی برای خود کسب می کنند و حتی بعضی از آنها بقدری استوانند که تن به حبس سرمایه بصورت خرید خانه و مسکن نمیدهند و ترجیح میدهند پول مسکن را برای فعالیتهای اقتصادی سود آور بکار انداخته و چند برابر اجاره مسکن سود کسب نمایند. وضع کشورهای توسعه یافته صنعتی که از قدرت اقتصادی و سیاسی برخوردارند و بسوی استقراض از منابع خارجی میروند، نباید ما جهان سومها را به اشتباه انداخته و بفریاد، زیرا جهان سومها نه اقتدار اقتصادی و سیاسی در جهان دارند و نه پایه های قدرت سیاسی اقتصادی آنها توانایی بکارگیری وامهای خارجی را در راستای سود آوری و افزایش رشد اقتصادی کشور دارد.

مضافاً اینکه وامها معمولاً بجای سرمایه گذاری برای رشد اقتصادی به مصرف هزینه های جاری و مصرفی و نیز باز پرداخت وامها و بهره وامهای قبلی میرسد. کشورهای جهان سوم گاهی خود را با کشورهای صنعتی وام گیرنده مقایسه می کنند و وقتی می بینند آنها از وام سود تحصیل می کنند، تصور می نمایند که میتوانند اینها نیز با ساختمان اقتصادی لرزان خود از وامهای خارجی سود تحصیل نمایند و رشد اقتصادی را برای کشور خود باعث گردند. آنها باید بدانند که شرایط اقتصادی و زیر بناهای مورد نیاز آنها با یکدیگر بکلی متفاوت است و همین امر باعث تفاوت کارکرد وامهای خارجی در هر یک از دو دسته کشورهای توسعه یافته (صنعتی) و توسعه نیافته (جهان سوم) میگردد.

جهان سومها باید بدانند که استقراض از منابع خارجی برای اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی نقش داروی شفا بخش، و برای اقتصاد بیمار کشورهای جهان سوم، نقش سم و زهر را بازی می کند که اقتصاد آنها را به سوی میراثی به پیش می برد و استقلال و حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنها را تهدید می نماید.

در این بحث برای خواننده عزیز سعی میشود به منابع استقراض و شرایط و نتایج آن بویژه در ارتباط با کشورهای جهان سوم اشاره گردد، هر چند در بحثهای گذشته استقراض بعنوان دامن برای کشورهای مزبور شناخته شد.

منابع استقراض

منابع استقراض به چند صورت در سطح جهانی وجود دارند: یا دولتی اند یعنی بانکها و مؤسسات دولتی به کشورهای دیگر وام میدهند و یا مؤسسات بین المللی اند و یا اینکه متعلق به بخش خصوصی هستند.

دولتها معمولاً به کشورهای وام میدهند که کشور وام گیرنده در اردوگاه سیاسی مربوط به آنها قرار داشته و در واقع تعهدات سیاسی داشته باشد و یا اینکه در قبال روابط اقتصادی متقابل ممکن است کشوری به کشور دیگر کمک مالی بصورت استقراض بنماید. کشورهای شوروی و آمریکا معمولاً از طریق مؤسسات ویژه به کشورهای جهان سوم که هماهنگی سیاسی با آنها داشته و در واقع تعهدات سیاسی به اردوگاه مربوطه شان داشته باشند وام میدهند و گاهی این وامها را برای کاربردهای نظامی کشور در حال توسعه پرداخت می نمایند. آمریکا برای دادن وام به کشورها، صندوق بنام

صندوق وام برای توسعه تأسیس نمود (کتاب توسعه اقتصادی ص ۶۳۶).

یکی از منابع دیگر تأمین منابع مالی بصورت استقراض، مؤسسات بین المللی هستند که مشخصاً شامل بانک جهانی توسعه و ترمیم و صندوق بین المللی پول میباشد. این مؤسسات در پاسخ به آثار بحران اقتصادی جهان بعد از سال ۱۹۳۰ و نیز برای مقابله با آثار جنگ جهانی دوم تأسیس شدند و نقش تعیین کننده‌ای را در نظام پولی و مالی بین المللی عهده دار گردیدند. بنیانگذار این مؤسسات و گرداننده آنها و هدایت کننده سیاستهای آنها، کشورهای استکباری جهان سرمایه داری مانند آمریکا و انگلیس بودند. بدنبال بحران پولی قبل و بعد از جنگ جهانی دوم و سقوط نظام پایه طلا بعنوان پشتوانه پول، نظام جدید پولی بین المللی با پیشگامی آمریکا و انگلیس در «برتون و وودز» آمریکا طراحی گردید. کنفرانس بین المللی متشکله در «برتون و وودز» در سال ۱۹۴۴ منجر به تصویب اساسنامه صندوق بین المللی پول و پیشنهاد بانک توسعه و ترمیم از سوی نمایندگان ۴۴ کشور جهان گردید (کتاب تجارت بین المللی ص ۲۵۷). طرح صندوق مزبور توسط یکی از اقتصاد دانسان آمریکائی بنام «وایت» بمنظور تثبیت نرخ ارز برای تأمین منابع مالی مورد نیاز بمنظور بازسازی کشورهای خسارت دیده از جنگ جهانی دوم ارائه گردید که در این طرح، واحد پرداخت بین المللی دلار و استرلینگ تعیین شده بود.

طرح مزبور بدلیل قدرت اقتصادی آمریکا بصویب رسید و بدلیل نیاز کشورها، پس از جنگ به آمریکا، دلار آمریکا را جانشین استرلینگ نموده و آنرا بعنوان مرکز ثقل سیستم پولی جهان قرار داد که بوسیله آن جهان سرمایه داری را کنترل می نماید.

سرمایه صندوق بین المللی پول بین کشورهای مختلف سهم بندی شد و آمریکا حدود ۳۶٪ سهام آنرا بخود اختصاص داد. سهام کشورهای مختلف جهان در صندوق بین المللی پول که بصورت طلا و پول ملی آنها ذخیره میگردد، نقش مؤثری در میزان برخورداری از امکانات صندوق بعهده دارد و رأی اعضاء در صندوق نیز به میزان منهام آنها بستگی دارد.

مثلاً آمریکا با یک نماینده، بلحاظ سهام زیادت

رای بیشتری دارد. رای نماینده آمریکا از کل آرای ۵۰ کشور توسعه نیافته بیشتر است. چون سرمایه صندوق عمدتاً مربوط به کشورهای توسعه یافته صنعتی می باشد لذا آنها با آراه خود سیاستهای صندوق را به نفع خود تنظیم می کنند. کشورهای سرمایه داری $\frac{2}{3}$ سهمیه صندوق که وام بر اساس آن پرداخت میشود و نیز $\frac{1}{3}$ حق رأی را دارند.

بانک جهانی توسعه و ترمیم و مؤسسات وابسته به آن نیز که بعد از جنگ دوم جهانی تأسیس شد و در اساسنامه آن دادن وام به کشورهای توسعه نیافته را بدون شرط آورده است اقدام به پرداخت وام به کشورهای متقاضی می نماید منتها در قبال پرداخت وام، بر خلاف اساسنامه شرایطی قائل میگردد و کارشکنی نموده و بصورت ابزار و اهرمی در جهت اعمال سیاستهای آمریکا در امور داخلی کشورهای مستقاضی وام در آمده است (کتاب تجارت بین المللی).

منبع وام دهنده دیگر بازار دلار اروپائی است. این بازار در حدود سال ۱۹۵۷ شکل گرفته و به سرعت توسعه یافت. این بازار بلحاظ شرایط سهل تری که نسبت به سایر منابع قرض دهنده قائل است، رشد زیادی یافته است و چالب اینجاست که منابع مالی این بازار از منابع مالی و سپرده های سایر کشورها تأمین میشود. مثلاً افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ که باعث موازنه بازرگانی مثبت کشورهای صادر کننده نفت گردید، این کشورها را واداشت که برای بالا بردن اعتبار مالی خود در بازار دلار اروپائی اقدام به سپرده گذاری دلارهای نفتی خود در آن بنمایند. مثلاً سپرده کشورهای تولید کننده نفت از ۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۹ به ۵/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ رسید (بیش از ۷ برابر) و با سپرده کشورهای تولید کننده مواد خام غیر نفتی که عموماً جهان سومی هستند از ۲/۵ میلیارد در سال ۱۹۶۹ به ۱۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ رسید (حدود ۶ برابر). افزایش سپرده گذاری سرمایه های جهان سوم و فقرای جهان در بازار دلار اروپائی منجر به بالا گرفتن فعالیتهای این بازار گردید که موقعیت بالائی را در بازار بین المللی پول بخود اختصاص داد. بازار بین المللی پول در واقع تشکیلات چابول جهان سومها است که با پرداخت وام با شرایط سهل تر، منابع درآمدی جهان سوم را غارت می نماید.

شرایط وام

شرایط وام دادن توسط هریک از منابع یاد شده، بگونه ای تنظیم شده است که منافع کشورهای توسعه یافته، عمدتاً تأمین شده و بضرر کشورهای جهان سوم، عمل می نمایند. در واقع خصلت منفی استقراض از منابع خارجی، بیشتر مرهون شرایط آنها است. و کشورهای جهان سوم اگر شرایط تعیین شده را نپذیرند، نمی توانند وام دریافت نمایند (البته اگر درست فکر کنیم این امر برفع آنها است) ولی اگر وام خواسته باشند، باید شرایط را بپذیرند و پذیرش شرایط است که عواقب سوئی در اقتصاد ملی کشورهای مزبور، هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی، از خود بجا میگذارد و چون سیاستگذاران مقررات و شرایط منابع قرض دهنده میدانند که کشورهای جهان سوم در هر صورت، ذلت قرض گرفتن از آنها را خواهند پذیرفت بنابراین، با اطمینان خاطر شرایط و ضوابط وام را تعیین میکنند. البته همانطور که بیان گردید شرایط بازار دلار اروپائی ظاهراً ساده تر است و سهولت نقل و انتقال سرمایه در جهان و سهولت دسترسی به بازار دلار اروپائی و غیر سیاسی بودن تصمیم در مورد ارائه وام باعث سرازیر شدن تقاضای کشورهای جهان سوم به این بازار شده است و در سال ۱۹۷۳ حدود ۸۴٪ وامهای دریافتی توسط کشورهای جهان سوم بصورت پذیرفته است و این بازار با ضمانت یک کشور نروژمند به کشورهای فقیرتر نیز وام میدهد چنانکه با ضمانت هریستان سعودی به سودان وام داده شد.

این بازار بر اساس سپرده بانکهای مرکزی کشورهای مختلف به آنها وام میدهد و لذا کشورها سعی میکنند ذخیره ارزی خود را در آن افزایش دهند ولی آنچه که اهمیت دارد این است که این بازار، جنبه تجارتی داشته و سرمایه خود را مرهون سرمایه کشورهای سپرده گذار است و این سرمایه را به متقاضیان دیگر وام میدهد و از قبال این عملکرده، سود سرشاری را متوجه خود می سازد.

صندوق بین المللی پول برای پرداخت وام شرایط زیر را قائل است:

- ۱- حق اختیار تصویب و بار در درخواست وام. ۲- پرداخت وام متناسب با سهمیه. ۳- وادار کردن کشور

بقیه در صفحه ۴۷



با فروپاشیده شدن فرهنگ پوچ کمونیسم. اکنون فرهنگ مبتذل غرب تشنه در مقابل خود، فرهنگ اسلام ناب محمدی «ص» را می بیند.

این تأسف آور است در حالی که «... دنیا تشنه درک و فهم اسلام ناب محمدی «ص» است...» برخی دستگاه‌های تبلیغات عمومی ایران اسلامی بصورت مروج فرهنگ پوچ غربی عمل نمایند و کلام آتخر اینکه راه مقابله با فرهنگ منحط غربی، ایجاد هسته‌های حزب الله در سراسر جهان و سازمان دادن تهاجمی همه‌جانبه و فراگیر به فرهنگ غربی است و آلاباید هر لحظه منتظر فروپاشیده شدن سنگرهای توحید دنیا در برابر هجوم شیطان بزرگ باشیم.

والسلام

که آخرین لایه‌های بوسیده هفتاد سال کزنی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ کشور خود بزدانید.

امروز دیگر دولتهای همسوبا شما که دلشان برای وطن و مردمشان می طبد، هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این، منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم - که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانشان رسیده است - مصرف کنند.

در خاتمه به تمامی علما و دانشمندان بلاد مسلمین، نویسندگان، گویندگان و مسئولین نظام جمهوری اسلامی و کلیه کسانی که قلبشان برای پیاده کردن آرمانهای والای امام خمینی (ره) می تپد، به فرزندان بسیجی امام (ره) در حوزه و دانشگاه متذکر میشویم که

شرق است، به در آورد. حضرت آقای گورباچف

ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید، ولی خود می دانید که نیوناً اینگونه نیست. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد و شما دومین و علی الظاهر آخرین ضربه را بر بیکر آن نواختید، امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم، در جهان نداریم ولی از شما جداً می خواهیم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید.

امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید

رهبران مصر آخرین شرط بانک را نپذیرفتند و بانک نیز از پرداخت وام به مصر خودداری کرد!

در شیلی پس از کودتا که سیاستهای دولت آن با منافع آمریکا هماهنگ شد بلافاصله بانک جهانی وام قابل توجهی برای ساختن نیروگاه برق در اختیار گذاشت و هم صندوق بین المللی پول و هم بانک جهانی بطور کامل از سیاستهای دولت شیلی حمایت مالی و پولی نمودند. لازم توضیح است که مؤسسات مزبور تسهیلات خوبی برای کشورهای صنعتی توسعه یافته در نظر میگیرند و کشور جهان سومی را بخوبی اذیت میکنند.

بهر حال آنچه که از تجربیات گذشته در ارتباط با عملکرد منابع وام دهنده و سرنوشت کشورهای وام گیرنده حاصل آمده است، این است که وام‌های خارجی برای کشورهای جهان سوم همراه با ظاهر آراسته‌ای که از سوی بعضی صاحب نظران اقتصادی مغرض و یا ناآگاه به آنها داده میشود، دام خطرناکی است که اگر کشوری در درون آن افتاد، نه تنها قادر به خروج نیست بلکه خصلت اعتیاد به استقراض از خارج پیدا نموده و مرتباً در باتلاق استقراض فرو می غلطد و اراده و استقلال سیاسی و اقتصادی او تحت الشعاع سیاستهای جهانی قرار میگیرد بویژه اینکه مؤسسات بین المللی وام دهنده و منابع استقراض بعنوان اهرم اعمال سیاستهای آمریکا و استعمار جهانی عمل می نمایند.

ادامه دارد

عبارتند از:

- ۱- درخواست، تضمین بازپرداخت از کشور وام گیرنده
- ۲- ملی نکردن دارائیهای خارجی (بانک به کشورهایایی که منافع انحصار گران خارجی [بویژه آمریکائیان] را محترم نشودند بسادگی وام نمی دهد).
- ۳- ارائه طرح کامل و جامع عمرانی و سرمایه گذاری همراه با توجهات اقتصادی قابل پذیرش بانک
- ۴- تعهد بازپرداخت وام در موقع سررسید (بانک به کشورهایی که وام خود را در موقع سررسید نپرداخته اند وام نمی دهد).
- ۵- یکی از مؤسسات تابعه آن بنام سازمان توسعه بین المللی به شرطی وام پرداخت می نماید که وام گیرنده از آمریکا کالا خرید نماید و تجارت با کوبا و ویتنام را تحریم کند.
- ۶- حذف محدودیتهای صادراتی و وارداتی.
- ۷- حذف مالیات و حقوق گمرکی در بعضی موارد خاص.
- ۸- طولانی بودن مدت تحویل وام به کشورهای مغضای.

بانک جهانی توسعه و ترمیم در سال ۱۹۵۵ برای دولت مصر که جهت ساختن سد آسوان تقاضای وام کرده بود شرایط زیر را تعیین کرد: (کتاب تجارت بین المللی ص ۲۷۰) ۱- بانک برنامه سرمایه گذاری ملی جمهوری متحده عربی را کنترل کند. ۲- سطح زیر کشت پنبه در این جمهوری کاهش یابد (پنبه پایه اقتصادی کشور مصر را تشکیل میدهد) ۳- این جمهوری از منابع دیگر تقاضای وام نکند ۴- جمهوری متحده عربی طرحهای صنعتی خود را متوقف سازد.

بقیه از استقراض از منابع خارجی

مقاصی به تقلیل ارزش پول خود.

از نظر صندوق کشوری که وام دریافت میکند در واقع کسری موازنه پرداخت دارد و باید صادرات خود را افزایش دهد و برای اینکه صادرات خود را افزایش دهد باید قیمت کالای صادراتی خود را پائین بیاورد تا بتواند کالای بیشتری برای متقاضیان بازار بین المللی ایجاد کند و برای کاهش قیمت صادرات باید ارزش پول خود را کاهش دهد در صورتی که کاهش قیمت کالا باعث افزایش کسش تقاضا نمی شود. (در واقع کشور بدیخت جهان سومی باید هم کالاها و مواد اولیه و خام خود را حراج کند و هم برای واردات کالاها پول بیشتری پرداخت نماید چون ارزش پولش پائین آمده است) ۴- صندوق از کشورهای وام گیرنده خواستار تغییراتی در سیاستهای اقتصادی داخلی خود میشود.

مثلاً صندوق از بزرگیل خواست تا سیستم ارز چند نرخی خود را حذف و ارزش پول را کاهش دهد یا از ارزگفته خواست تا کنشرد دولت بر صادرات و واردات و نرخ ارز را حذف کند و چند بار ارزش پول آن کشور را کاهش داد.

۵- تضمین برای توسعه بخش خصوصی و رواج سرمایه داری در کشور و طبعاً باز کردن تدریجی جای پای شرکتهاى چند ملیتی.

بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن نیز علی رغم اساننامه اش شرایط خاصی در نظر میگیرد که